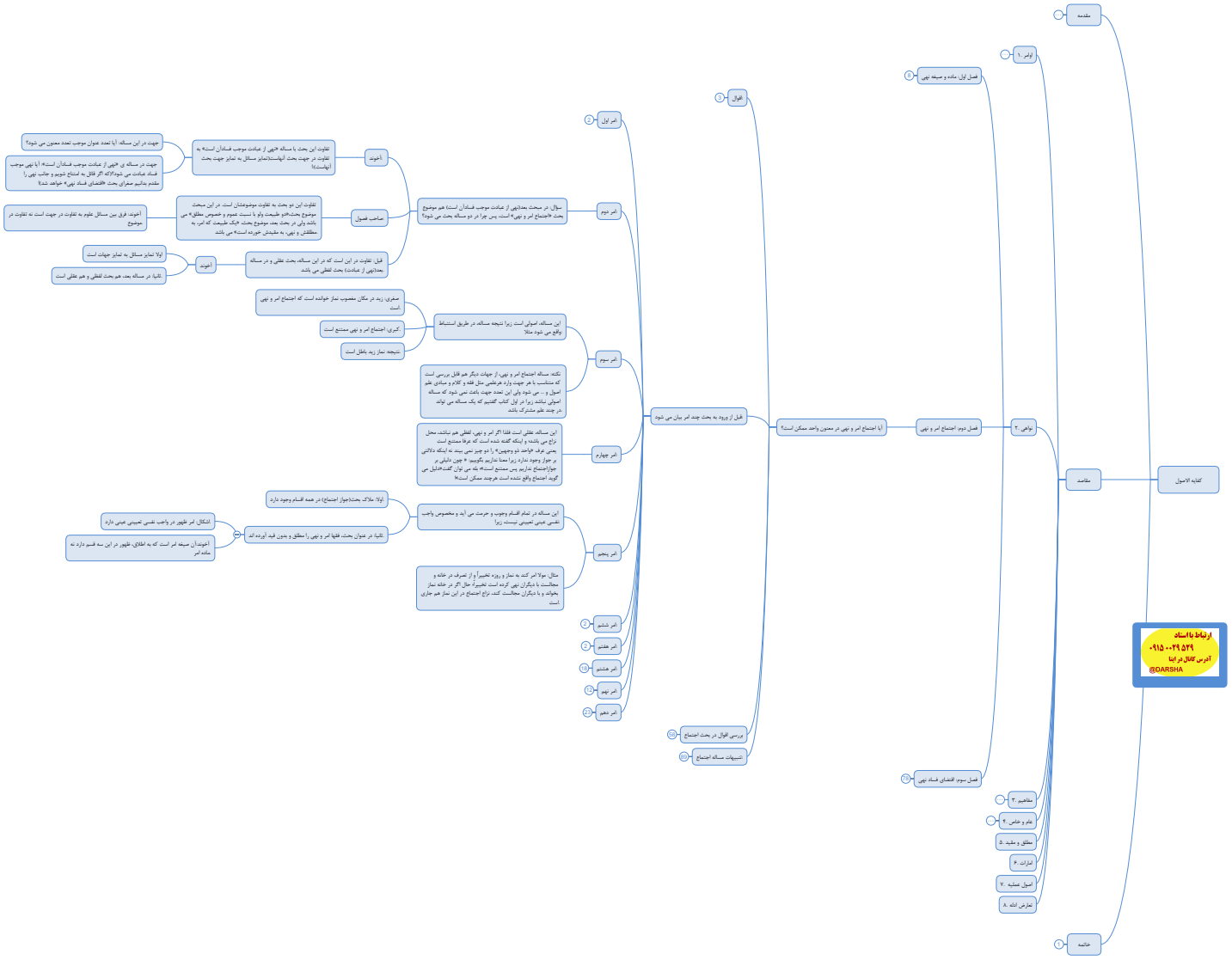
کفایه الاصول
مقدمه
مقاصد
اوامر ۱.
فصل اول: ماده و صیغه چهی
مواهی ۲.
فصل دوم: اجتماع امر و نهی
آیا اجتماع امر و نهی در معنون واحد ممکن است؟
اقوال
امر اول
امر دوم
سوال: در مبحث بعدچهی (از عبادت موجب فسادان است) هم موضوع بحث «اجتماع امر و نهی» است، پس چرا در دو مساله بحث می شود؟
تفاوت این بحث با مساله قبلی از عبادت موجب فسادان است» به تفاوت در جهت بحث آنهاست!(تمایز مسائل به تمایز جهت بحث آنهاست)!
تأمل
جهت در مساله ی قبلی از عبادت موجب فسادان است» آیا نهی موجب فساد عبادت می شود؟اگر قائل به امتناع شویم و جانب نهی را مقدم بدانیم صغرای بحث «اقتضای فساد نهی» خواهد شد!
جهت در این مساله: آیا تعدد عنوان موجب تعدد معنون می شود؟
صاحب فصول
تفاوت این دو بحث به تفاوت موضوعشان است. در این مبحث موضوع بحث«هو طبیعت» ولو با سنت عموم و خصوص مطلق» می باشد ولی در بحث بعد، موضوع بحث «ایاک طبیعت که امر به مطلقش و نهی، به مقیدش خورده است» می باشد
تأمل: فرق بین مسائل علوم به تفاوت در جهت است نه تفاوت در موضوع
قبل: تفاوت در این است که در این مساله، بحث عقلی و در مساله بعدچهی (از عبادت) بحث لفظی می باشد
تأمل
اولا: تمایز مسائل به تمایز جهات است
ثانیا: در مساله بعد، هم بحث لفظی و هم عقلی است
امر سوم
این مساله، اصولی است زیرا نتیجه مساله، در طریق استنباط واقع می شود مثلا:
صفری: زید در مکان مغصوب نماز خوانده است که اجتماع امر و نهی است
کبری: اجتماع امر و نهی ممتنع است
نتیجه: نماز زید باطل است
امر چهارم
نکته: مساله اجتماع امر و نهی، از جهات دیگر هم قابل بررسی است که متناسب با هر جهت وارد هر علمی، مثل فقه و کلام و مبادی علم اصول و ... می شود ولی این تعدد جهت، باعث نمی شود که مساله اصولی نباشد زیرا در اول کتاب گفتیم که یک مساله می تواند در چند علم مشترک باشد
این مساله، عقلی است. فلذا اگر امر و نهی، لفظی هم نباشد، محل نزاع می باشد و اینکه گفته شده است که عرفا ممتنع است، یعنی عرف، فواهد دو وجهیش» را دو چیز نمی بیند نه اینکه دلالتی بر جواز وجود ندارد زیرا معنا نداریم بگوییم « چون دلیلی بر جوازاجتماع نداریم پس ممتنع است» نه می توان گفت«دلیل می گوید اجتماع واقع نشده است هرچند ممکن است»!
امر پنجم
این مساله در تمام اقسام وجوب و حرمت می آید و مخصوص واجب نفسی عینی تعیینی نیست، زیرا
ثانیا: در عنوان بحث، فقها امر و نهی را مطلق و بدون قید آورده اند
اولا: ملاک بحث(جواز اجتماع) در همه اقسام وجود دارد
اشکال: امر ظهور در واجب نفسی تعیینی عینی دارد
آخوند:آن سبعه امر است که به اطلاق ظهور در این سه قسم دارد نه ماده امر
مثال: مولا امر کند به نماز و ویژه تخییراً و از تصرف در خانه و مجالست با دیگران نهی کرده است تخییراً، حال اگر در خانه نماز بخواند و با دیگران مجالست کند، نزاع اجتماع در این نماز هم جاری است
امر ششم
امر هفتم
امر هشتم
امر نهم
امر دهم
بررسی اقوال در بحث اجتماع
تنبیهات مساله اجتماع
فصل سوم: اقتضای فساد نهی
مفاهیم ۳.
عام و خاص ۴.
مطلق و مقید ۵.
اجزاء ۶.
اصول عملیه ۷.
تعارض ادله ۸.
خاتمه
ارتباط با استاد
۰۹۱۵۰۰۲۹۵۲۹
آدرس کانال در اپلیکیشن ایتا
@DARSHA